

## عضویت جمهوری اسلامی در بریکس؛ محدودیت‌ها و فرصت‌ها

آرزو خردمندان

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

بهرام یوسفی<sup>۱</sup>

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

روح اله شهابی

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

شیوا جلال پور

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۳

### چکیده

بریکس را گروه اقتصادی کشورها نوظهور می‌دانند که سعی در ارتباط اقتصادی بیشتر کشورهای در حال توسعه با یکدیگر دارند. در اواخر سال ۲۰۱۳ ایران اعلام کرد که آمادگی عضویت در بریکس را دارد. در این بین چین، طرح اولیه بریکس پلاس را پیش کشید و سیاست آن قدرت بخشیدن به این گروه تازه تاسیس بود. بنای این طرح، استقبال از برخی از کشورهای در حال توسعه در بریکس بود. جمهوری اسلامی ایران نیز آمادگی خود را جهت عضویت در بریکس اعلام کرد. اگرچه در طرح اولیه‌ی بریکس پلاس، جمهوری اسلامی ایران نیز برای عضویت از طرف اعضای بریکس از جمله چین در نظر گرفته شد اما این عضویت به دلایل مختلف اتفاق نیفتاد. واکاوی دلایل عدم موفقیت ایران در بریکس و منافع و معایبی که این عضویت احتمالاً در پیش دارد هدف اصلی این مقاله است. براین اساس در این مقاله به این سوال پاسخ خواهیم داد که عضویت جمهوری اسلامی در بریکس؛ چه محدودیت‌ها و فرصت‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند؟ به نظر می‌رسد که بریکس، در آینده نیز قصد دارد تا اعضای جدیدی را به گروه خود اضافه کند و جمهوری اسلامی ایران برای همکاری و تعامل با بریکس نیاز دارد تا این گروه اقتصادی را بیش از پیش تحلیل کند تا در این بین بتواند منافع ملی بیشتری را در رویه این همکاری به دست آورد.

کلمات کلیدی: بریکس، توسعه، همکاری، منافع ملی، جمهوری اسلامی.

## مقدمه

گسترش جهانی شدن پدیده اقتصاد، بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران را وادار به توجه ویژه به روابط منطقه ای و همکاری کشورها به منظور جلب علاقه نمود. همکاری با چنین کشورهایی ایران را ترغیب می‌کند تا زمینه تجارت ترجیحی و همگرایی اقتصادی با خود را فراهم کند. بریکس<sup>۱</sup>، مخفف انجمنی از پنج اقتصاد ملی در حال ظهور بزرگ است: برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی که همگی از کشورهای پیشرو در حال توسعه یا تازه صنعتی هستند، اما از نظر اقتصادی، بعضاً دارای رشد سریع و قابل توجه نفوذ در امور منطقه‌ای هستند. هر پنج عضو، از اعضای G-20 هستند. در حال حاضر بریکس نمایندگان گروهی از پنج کشور با سطح متفاوت قدرت است که هدف مشترک آنها داشتن یک سیستم بین‌المللی عادلانه تر است. هر یک از اعضای بریکس در زمینه‌های منطقه‌ای، سیاسی / اقتصادی بازیگران قدرتمندی هستند؛ بنابراین، این گروه از دسترسی جهانی در اوراسیا، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین برخوردار است. ترکیب این گروه نیز چشمگیر است. روسیه و چین از دو عضو بریکس، عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل با حق وتو هستند. همچنین سه کشور در این گروه روسیه، چین و هند دارای سلاح هسته‌ای هستند. دو کشور دیگر، آفریقای جنوبی و برزیل، به عنوان کشورهای دارای توانایی هسته‌ای شناخته می‌شوند در حالی که هر دو عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) هستند. روابط جمهوری اسلامی با بریکس بیشتر از جنبه‌ی اقتصادی قابل تحلیل است. ایران عمدتاً پروپان مایع<sup>۲</sup>، متانول<sup>۳</sup>، پلی اتیلن<sup>۴</sup>، اتیلن گلیکول<sup>۵</sup>، بوتان مایع<sup>۶</sup> و اوره<sup>۷</sup> به کشورهای عضو بریکس صادر می‌کند. در عوض، کالاهای عمده وارداتی از کشورهای بریکس به ایران شامل برنج نیمه آسیاب شده، برنج کامل، قطعات خودرو، الکتروندهای گرافیتی مورد استفاده در کوره‌ها، قطعات راکتورهای هسته‌ای، گوشت گاو منجمد و ذرت مزرعه‌ای بود. چین در میان اعضای بریکس و همچنین در سراسر جهان صادرکننده برتر کالا به ایران است. براین اساس ارتباط با بریکس در شرایطی که تحریم‌های امریکا پس از خروج از برجام افزایش گرفته است برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. براین مبنا در این مقاله سعی می‌شود تا مبنای ارتباط ایران با بریکس، چرا عدم عضویت جمهوری اسلامی در این گروه و منافع و مضرات ارتباط ایران با گروه بریکس مورد تدقیق و تحلیل قرار گیرد. روش تحقیق این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و به دلیل اینکه ابعاد مختلف روابط ایران-بریکس مورد تحلیل قرار می‌گیرد چارچوب نظری اختصاصی ای را در این مقاله به کار نبردیم و مبنای تحلیل ما براساس یافته‌ها، آثار و نهایتاً تحلیل نویسنده از مشاهد اسناد و پژوهش‌ها است.

<sup>1</sup> BRICS

<sup>2</sup> Propane

<sup>3</sup> Methanol

<sup>4</sup> Polyethylene

<sup>5</sup> Ethylene glycol

<sup>6</sup> Butane

<sup>7</sup> Urea

براساس بررسی‌هایی که پژوهشگر انجام داد اثر آکادمیک قابل‌اعتنایی در رابطه با عنوان حاضر یافت نشد؛ بنابراین تنها به چند اثر نسبتاً مشابه اشاره می‌کنیم. «جایگاه بریکس در ساختار توزیع قدرت در نظام نوین اقتصاد سیاسی جهانی (۲۰۱۴-۲۰۰۱) با نگاهی به امکان سنجی عضویت ایران در بریکس: موانع، راهبردها و مزایا» عنوان پایان‌نامه حسن پناهی (۱۳۹۴) است. پناهی در اثر فوق، براین اعتقاد است که عضویت ایران در بریکس، کاملاً در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی است اگرچه با برخی از چالش‌ها مواجه است. نکته‌ای که در این پایان‌نامه به چشم می‌آید ادبیات ژورنالیستی آن است که آن را فاقد تحلیلی مستحکم کرده است و در نهایت خواننده نمی‌تواند به تمیزی در رابطه با چالش‌های ایران درخصوص عضویت در بریکس برسد. «اتلاف ناتمام بریکس و نسبت آن با جمهوری اسلامی ایران» عنوان مقاله‌ای از جهانبخش ایزدی و مصطفی مطهری خوشینانی (۱۳۹۴) است. نویسندگان در این مقاله براین اعتقادند که بریکس، اختلافات درون گروهی بسیاری دارد. این در حالی است که ایران به منظور استفاده از منابع و ظرفیت‌های خود به ارائه تعریفی نو از مناسبات خود بر اساس معیارهای ارزشی - ایدئولوژیک تقابلی با جهان غرب و نیز در جهت تامین منافع ملی خویش ارتباط و تعامل با نهاد و سازمانی همچون بریکس را مورد توجه قرار داده است این در حالی است که فقدان یک ایدئولوژی و رویه‌ی قدرتمند در بریکس، زمینه ارتباط مستحکم با ایران را از بین می‌برد. در مقالات خارجی نیز می‌توان به «برجام و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»<sup>۱</sup> از محمدباقر خرمشاد و عبدالرضا سیفی (۲۰۱۹) اشاره کرد که سعی کرده است استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های بریکس را در سیستم بین‌الملل تحلیل کند اگرچه دلیل عدم انسجام و تعادل در ارائه مطالب نتوانسته است منظور اصلی خود را به مخاطب بشناسد.

### بریکس و ساختار بین‌الملل

از دهه ۱۹۹۰، این سوال که چگونه انتقال قدرت جهانی بر نظم لیبرال بین‌المللی تأثیر می‌گذارد، ذهن محققان روابط بین‌الملل را به خود مشغول ساخته است. دیدگاه واقع‌گرایانه تمایل به تأکید بر بعد ژئوپلیتیک و رقابتی ظهور قدرت‌های نوظهور و شکل‌گیری بین‌المللی جدید و نهادها توسط آنها دارد. از سوی دیگر، کسانی که بر پیوستگی‌های نهادی و هنجاری تمرکز می‌کنند، مشتاقانه یادآوری می‌کنند که هیچ‌یک از قدرت‌های نوظهور یا ابتکارات جدید به طور مستقیم به دنبال مخالفت یا اصلاح بستر نهادی حاکمیت جهانی نبوده‌اند. برخی دیگر بر تحولات ایده‌ای و مفهومی تمرکز کرده‌اند با تکرار مشاهدات هانتینگتون<sup>۲</sup> در مورد توانمندسازی هویت‌های فرهنگی، دانشمندانی مانند آمیتاو آچاریا و باری بوزان استدلال می‌کنند که علاقه روزافزون به دیدگاه‌های محلی به نظریه‌های روابط بین‌الملل و تقاضای یک دکترین جهانی مبتنی بر گفتگو بین آنها و چشم اندازهای غربی ثابت شده است (Acharya & Buzan, 2009: 1-100). گروه بندی برزیل، روسیه، هند، چین در سال ۲۰۰۶ و بعداً آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۰ که به آنها بریکس گفته می‌شود، نمونه‌ای عملی از این تحولات است که از قالب نظریات

<sup>۱</sup> BRICS and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran

<sup>۲</sup> Samuel P. Huntington

روابط بین الملل ظهور کرده است. با این وجود، معمای انتقال قدرت جهانی و نهادهای بین المللی جدید مانند بریکس و پیامدهای آن در نظم بین المللی لیبرال، همچنان موضوع بحث تجربی و مفهومی است که کماکان باید مورد مطالع قرار گیرد که آیا گروهی مانند بریکس، اساساً می‌تواند شعارهای خود را مبنی بر تغییر در ساختار بین الملل، عملی کند یا تنها در حد شعار باقی می‌ماند!

براین اساس بریکس در معرض نظرات مختلف و گاه متناقض قرار گرفته است. برخی از محققان آن را به عنوان رقیب سلطه غرب و مروج نظم جدید بین المللی تفسیر کرده‌اند. برخی دیگر ادعا کرده‌اند که این گروه، بیشتر یک ببر کاغذی<sup>۱</sup> بوده و از اهمیت چندانی برخوردار نیست زیرا اعضای آن با هم اختلافات عمیقی دارند و از طرف دیگر علی‌رغم شعارهای جدایی خواهانه‌ای که سر می‌دهند، تمایل به حمایت از نهادهای لیبرال موجود را دارند. از این جهت، در حالی که بریکس موفق به ایجاد دو موسسه مالی جدید، بانک توسعه جدید (NDB) و قرارداد احتمالی ذخیره (CRA) شده است، اما توافق اجماعی مستحکمی را ایجاد نکرده و منتقدان سیاست‌های توسعه نئولیبرال را که به بریکس دل بسته بودند ناامید کرده است (Marko, 2019: 13).

بریکس، در جریان راهی که پیش گرفته است مشکلات قابل توجهی دارد. در سطح جهانی، بریکس با مخالفت قدرتهای بین المللی روبرو شده است. به عنوان مثال، اصلاحات سیستم سهمیه صندوق بین المللی پول قبلاً در جلسه گروه ۲۰ در سال ۲۰۰۸، یک سال قبل از اولین اجلاس بریکس توافق شده بود، اما تا سال ۲۰۱۶ توسط کنگره آمریکا متوقف شد. این شکست با انتقادات شدید بریکس روبرو شد. در اعلامیه اجلاس بریکس از سال ۲۰۱۵ آمده است که «... از عدم موفقیت طولانی مدت ایالات متحده در تصویب بسته اصلاحات صندوق بین المللی پول ۲۰۱۰ که به تضعیف اعتبار، قانونی بودن و اثربخشی صندوق بین المللی پول منجر می‌شود، به شدت ناامید شده‌ایم» (BRICS Ufa Declaration and Action Plan, 2015)؛ که به نوعی عدم تمایل بریکس و توانایی آن را در تقابل با آمریکا و غرب که قدرتشان مسلط بر ساختار نظام بین الملل است نشان می‌دهد.

### عضویت ایران در بریکس

ایران از سال ۲۰۱۳ تا کنون سعی داشته است تا به عضویت بریکس درآید. «در این بین بریکس سعی داشته است کشورهای در حال توسعه دیگر را نیز به سمت خود متمایل کند؛ کشورهایی مانند پاکستان، بنگلادش، ایران، نیجریه، کره جنوبی، مکزیک، ترکیه، اندونزی، فیلیپین و ویتنام و... از اعضای پیشنهادی به بریکس بوده‌اند» (Mutize & sean, 2017: 2). این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در طول حدوداً یک دهه نتوانسته است به عضویت بریکس درآید. به نظر می‌رسد که یکی از دلایلی که ایران نتوانست عضو بریکس شود که مثلث اوراسیایی بریکس یعنی بلوک روسیه، هند و چین بوده است که سعی کرده‌اند در بین دو قطبی ایران-عربستان، رویه ای سینوسی را پیش بگیرند به این معنا هر جا که منافع ملی این سه کشور در ارتباط با عربستان بیشتر بود جانب این کشور و اگر عکس این قضیه رخ داد جانب جمهوری اسلامی را بگیرند. به طور همزمان، مثلث اوراسیایی بریکس همچنین می‌ترسند که

<sup>۱</sup> Paper tiger

اجرای مجدد احتمالی تحریم‌های غربی علیه ایران به رهبری آمریکا می‌تواند بر مبادلات تجاری و اقتصادی آنها تأثیر منفی بگذارد، بنابراین آنها به یک معنا با عقب منتظر نگه داشتن ایران در مقابل عضویت در بریکس، سعی دارند تا بازی ایمنی را در صحنه سیاست خارجی و اقتصاد بین‌المللی صورت دهند. علاوه بر این، یک عنصر بدبینانه نیز در اینجا وجود دارد که آنها می‌دانند ایران در موقعیتی نیست که بتواند به تمام اقدامات نهادی و همکاری اقتصادی آینده خود جامه‌ی عمل بپوشاند چرا که تحریم‌های آمریکا باعث محدودیت کنشگری ایران در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی شده است، در حالی که عربستان سعودی به طور واضح گزینه‌های بیشتری دارد و بنابراین بهتر است توانایی چانه زنی با هر یک از کشورهای بریکس را در حال حاضر بیشتر تامین کند.

از طرف دیگر عدم اطمینان در مورد امنیت اقتصادی کلی ایران از نگرانی‌های بریکس است، با توجه به اینکه دولت ترامپ اصرار دارد که برخی از تحریم‌های چندجانبه غربی علیه این کشور را ادامه دهد. هر یک از اعضای بریکس خطرات موجود در این زمینه را می‌فهمد و هزینه و سود خود را در تصمیم‌گیری در مورد مقیاس و دامنه روابط اقتصادی با ایران تعیین می‌کند و این مسئله یکی از دلایل مهمی است که اعضای بریکس تمایلی به اینکه در کنار ایران در مقابل تحریم‌های آمریکا بمانند ندارند.

از جانب دیگر بریکس به دنبال «تحریک غیر ضروری» ایالات متحده نیست، به ویژه با توجه به اینکه عضو هند آن اکنون در یک مشارکت استراتژیک نظامی سریع و بی سابقه با پنتاگون است. از زمان انعقاد قرارداد LEMOA در سال ۲۰۱۶ و رسماً به عنوان شریک اصلی دفاع ایالات متحده تعیین شده است و چین با آمریکا روابط اقتصادی دارد. اگرچه تقابلاتی بین بریکس با ایالات متحده پیش آمده است. رقابت و متعاقب آن رقابت آشکاری از یک طرف و یک مراکز قدرت اصلی غیر غربی مانند روسیه و چین از یک طرف شدت بیشتری بین آمریکا و اتحادیه اروپا به نوعی شکل گرفته است. «روابط روسیه و ایالات متحده در سال ۲۰۱۴ به سطح تقابل حاد و پس از آن روابط چین و ایالات متحده در سال ۲۰۱۷ رسید. این مسئله، تصمیم‌گیری جهانی را در سازمان‌های بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل با مشکلات کوتاه مدتی مواجه کرد و یک صحنه رقابت بین قدرتهای بزرگ را پدید آورد» (Bordachev & colleges, 2020: 7-27). در این خصوص تقابل چین - آمریکا نیز وجود دارد اما مسئله‌ای که هست هیچکدام از کشورهای روسیه و چین برنامه‌ای برای قطع رابطه اقتصادی - سیاسی با آمریکا ندارند.

### مزایای عضویت ایران در برگزیت

به نظر می‌رسد که در چند دهه اخیر اقتصاد جهانی در حال تغییر یک پارادایم است، از یک مدل اقتصادی امریکایی - غربی به الگویی که پیچیده تر و چند قطبی است. مراکز مصرف، تولید و نوآوری دیگر صرفاً در اقتصادهای غربی متمرکز نیستند، بلکه به سمت اقتصادهای نوظهور در قاره‌های مختلف، به ویژه چین، روسیه، برزیل و هند و همچنین آفریقای جنوبی به نام بریکس تغییر یافته‌اند. یکی از موضوعات اصلی آینده این ائتلاف جدید، امنیت انرژی است. این مفهوم نه تنها در نیمکره غربی، بلکه در کشورهای جهان در حال ظهور اقتصادی در دهه‌های فعلی و آینده نیز از اولویت‌های مهم سیاست‌گذاران است. تقاضای جهانی برای انرژی اولیه در سال‌های آینده نیز افزایش می‌یابد.

و براساس پیش بینی‌های بین المللی، هیدروکربن‌ها هنوز منبع غالب انرژی خواهند بود. در نتیجه، روابط گسترده انرژی با دیگر کشورهای غنی از نفت و گاز در خارج از بریکس مانند اوپک، به طور کلی و ایران، به طور خاص، بسیار قابل توجه تر به نظر می‌رسد. بدیهی است که ایران از این نظر می‌تواند نقش برجسته‌ای داشته باشد. از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران، پس از خروج امریکا از برجام، با مشکلات اقتصادی و مسائل سیاست خارجی مواجه است که اصلی ترین آنها تحریم‌های امریکا و محدودیت در تعاملات بانکی و اقتصادی است. در این بین جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر به بریکس، به عنوان نوعی امتیاز نگاه کرده است که می‌تواند ایران را از تنگنای به وجود آمده به نوعی بیرون ببرد. از این جهت در ذیل به مزایای عضویت ایران در برگزیت می‌پردازیم:

### ایران و صادرات انرژی

ایران تنها مسیر بین خلیج فارس در جنوب و دریای خزر در شمال و مسیر اتصال شبه قاره هند به دریای مدیترانه است. خط ساحلی ایران نیز در خلیج فارس ۱۲۵۹ کیلومتر طول دارد. تنگه هرمز، در سواحل جنوب شرقی این کشور، مسیر مهمی برای صادرات نفت از ایران و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس است. در باریکترین نقطه خود، تنگه هرمز ۲۱ مایل عرض دارد و تقریباً دو پنجم کل نفت معامله شده در دریا، روزانه از تنگه عبور می‌کند. مرزهای شمالی این کشور و موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک آن در خلیج فارس به آن به عنوان پلی بین آسیای میانه و خاورمیانه از نظر ژئوپلیتیک ارزش داده است. این بدان معناست که ایران نقشی اساسی در معادله انرژی آینده جهان بازی خواهد کرد (Valizadeh؛ 2: 2013, Houshialsadat) در جهانی که اقتصاد در حال رشد سریع چین و هند پرجمعیت، برزیل و روسیه در حال احیای مجدد، رقابت بر سر منابع انرژی جهانی را تشدید کرده است، اهمیت ایران در روابط بین الملل سال‌هاست که با داشتن این نفت بزرگ و ذخایر گاز افزون تر می‌شود.

«ثبات بازار جهانی نفت در دست کشورهای عمده وارد کننده از جمله چین است. هرگونه بحران اقتصادی یا ناامنی سیاسی توسط کشورهای صادرکننده نفت، تأثیر مستقیمی بر امنیت انرژی و رشد اقتصادی چین دارد؛ بنابراین، پایداری سیاسی و اقتصادی همیشه به شدت مورد حمایت پکن بوده است. ایران امیدوار است که در صورت عدم همکاری اروپا به دلیل تحریم‌ها، شرکت‌های چینی و روسی این توانایی را داشته باشند که سرمایه گذاری خود را در صنعت نفت و گاز ایران ادامه دهند» (Shokri Kalehsar, 2019: 4) - و ایران بتواند از بن بست تحدیدهای به وجود آمده در زمینه صادرات نفت و گاز توسط امریکا نجات پیدا کند؛ اما باید توجه داشت که در جریان تحریم‌های قبلی، شرکت‌های چینی صنعت نفت و گاز ایران را به دلیل عواقبی که ممکن است نقض تحریم‌ها بر سایر سرمایه گذاری‌ها و پروژه‌های جهانی داشته باشد، صنعت احتیاط را ترک کردند. این احتمال وجود دارد که دولت چین واردات نفت را کاهش دهد و سرمایه گذاری در ایران را متوقف کند تا با ایالات متحده مخالفت نکند. به این ترتیب، روابط بین چین و ایران می‌تواند شکوفا شود، به شرط آنکه تنظیمات بین المللی مناسب نسبت به روابط ایران با غرب حاصل شود. طبق آژانس بین المللی انرژی<sup>۱</sup>، کشورهای بریکس ۳۶/۴ درصد تأمین انرژی اولیه را

<sup>۱</sup> IEA

تشکیل می‌دهند و قرار است تا سال ۲۰۴۰ به ۴۰-۵۰ درصد برسد. در مقایسه با کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه<sup>۱</sup>، یک گروه بین دولتی متشکل از ۳۶ اقتصاد پیشرو در جهان، بریکس از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ رشد ۱۱,۶ درصدی را شاهد بوده است (Zhaoyi, 2019: 1).

۹۵٪ محصولات صادراتی ایران، منابع انرژی (نفت، گاز طبیعی، متانول و غیره) هستند اگرچه صادرات فرش پسته و پشم گوسفند و غیره انجام می‌شود، اما این کالاها درصد زیادی از ارزش صادراتی را تشکیل نمی‌دهند. در همین حال، ایران بنزین، مواد خام فولادی، گندم و برنج و غیره، سوخت‌های تصفیه شده روغن، مواد غذایی و ماشین آلات وارد می‌کند. چین و هند از کشورهای تراز اول در کالاهای صادراتی ایران هستند (KAWAHITO, 2020: 3).

### بریکس و بانک توسعه

ایده بانک توسعه اقتصادی ابا سرمایه ۱۰۰ میلیارد دلار که توسط ۵ عضو بریکس تامین می‌شد جهش مثبتی در مسیر این گروه اقتصادی بود اگرچه اختلافات سازمانی درون گروهی، سرعت پیشرفت را در بریکس کاهش داد. ایجاد بانک توسعه جدید<sup>۲</sup> (NDB) به عنوان جایگزینی برای بانکهای توسعه چندجانبه<sup>۳</sup> (MDB) موجود، مانند صندوق بین المللی پول بود. بسیاری از بازارهای نوظهور در گذشته با چنین سازمان‌هایی روابط ناخوشایند داشته‌اند: به عنوان مثال، دولت برزیل قبلاً صندوق بین المللی پول را به دلیل درخواست ضمانت نامه‌های سختگیرانه در ازای دریافت کمک مالی، مورد انتقاد قرار داده است. ایجاد این بانک، بیانگر نقش رو به رشد بریکس و سایر [بازارهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه] در اقتصاد جهانی و تمایل بیشتر آنها برای اقدام مستقل در امور حاکمیت اقتصادی بین المللی و توسعه است. این بانک چند جانبه توسط کشورهای این گروه، برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی تأسیس شد. این دفتر با داشتن دفتر مرکزی در شانگهای چین برای حمایت از اقتصادهای نوظهور و ایجاد گزینه‌ای برای سلطه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ایجاد شده است. از زمان شکل‌گیری آن در سال ۲۰۱۵، NDB بیش از ۳۵ وام زیرساختی صادر کرده است که مجموعاً ۱۰,۲ میلیارد دلار در بسیاری از بخش‌ها، از انرژی‌های تجدید پذیر تا حمل و نقل است. به طرز چشمگیری، بانک همچنین موفق به کسب رتبه‌های اعتباری بالا شده است - یک عنصر مهم برای اطمینان از اینکه بانک می‌تواند سریع سرمایه را افزایش دهد. (Ballard, 2020: 3) از این جهت عضویت ایران در بریکس می‌تواند راهی مطمئن در جهت گرفتن وام و کمک‌های مالی باشد که می‌تواند در دوره‌ی تحریم‌ها به شدت به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران کمک کند. رویه‌ی تجارت بانک توسعه نوین بریکس نسبت به ایران می‌تواند به یک منبع جایگزین مالی در قیاس با صندوق بین المللی پول یا بانک جهانی تبدیل خواهد شد. این بخش به موارد کلیدی نیازهای اقتصادی ایران مانند توسعه سرمایه انسانی، فقرزدایی و مراقبت‌های بهداشتی اساسی می‌تواند پاسخ دهد.

<sup>1</sup> OECD

<sup>2</sup> New Development Bank

<sup>3</sup> Multilateral Developing Bank

## محدودیت‌های عضویت ایران در برگزیت وابستگی اقتصادی و جایگاه سیاست خارجی

قطع روابط دیپلماتیک ایران و ایالات متحده در سال ۱۹۸۰، پس از تسخیر دانشجو در سفارت ایالات متحده در تهران، فرصت‌های جدیدی را برای تعمیق دوباره روابط از نظر اقتصادی و استراتژیک برای چین-روسیه و ایران ایجاد کرد. برای ایران، چین متحد مقابله با نفوذ ایالات متحده در مرزهای خود در خاورمیانه و آسیای جنوبی شد. برای چین، ایران به یک منبع مهم انرژی برای خدمت به صنایع در حال رشد و گسترش سریع جمعیت تبدیل شد. ایران همچنین راهی برای نفوذ در خلیج فارس بود. در طی چهار دهه، روابط آنها طی سه مرحله تکامل یافت: همکاری نظامی در طول جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰، همکاری انرژی در دهه ۱۹۹۰ با سرعت صنعتی شدن چین و تجارت نفت با تحریم‌ها (Yacoubian, 2019: 2).

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پیوند روسیه و ایران به رابطه فعلی آنها با ایالات متحده بستگی داشت. دلایل زیادی برای تقویت تجارت در روسیه و ایران وجود دارد، علاوه بر این که جمهوری اسلامی می‌خواهد در مقابل ساختار قدرت امریکا و غرب بایستد. رابطه با ایران به روسیه موقعیتی در خاورمیانه و امکان گسترش صادرات خود را می‌دهد. روسیه و ایران چندین پروژه انرژی در حال انجام و پایان یافته دارند (اولین واحد هسته‌ای ساخت روسیه در سال ۲۰۱۱ در بوشهر نصب شد. در سال ۲۰۱۴، روسیه توافق نامه‌ای برای ساخت تا هشت راکتور هسته‌ای دیگر در این کشور با ایران امضا کرد). صادرات اصلی روسیه و ایران عمده نفت خام است.

رویکرد غربی‌ها نسبت به پرونده هسته‌ای ایران و تحریم‌های یک جانبه آن، به طور فزاینده‌ای ایرانیان را از غرب دور کرده و به سمت «شرق» سوق می‌دهد. (Saghafi-Ameri, 2013: 4). وابستگی به بریکس، جمهوری اسلامی را از بازار غرب و کشورهای اروپایی دور می‌کند. هرچه روابط بین بریکس و ایران قوی تر شود، ایزوله کردن موفقیت آمیز ایران برای کشورهای غربی چالش برانگیزتر خواهد بود. سیاست خارجی بین المللی تهران اکنون معطوف به شرق، به ویژه چین، روسیه و هند است، جایی که قدرت‌های بزرگ و مشتاق انرژی وجود دارند. وابستگی شدید جمهوری اسلامی ایران به سه کشوری که آورديم باعث می‌شود در آینده مشکلات عدیده‌ای به وجود بیاید. یکی از این مشکلات، عدم اختیار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌تواند باشد. این بدان معناست که وابستگی اقتصادی ایران به سه کشور یاد شده موجب می‌شود که سیاست خارجی جمهوری اسلامی در منطقه و جهان با توجه به سیاست‌ها و منافع ملی، چین، روسیه و هند تعریف شود.

### تحریم‌های امریکا و حمایت بریکس

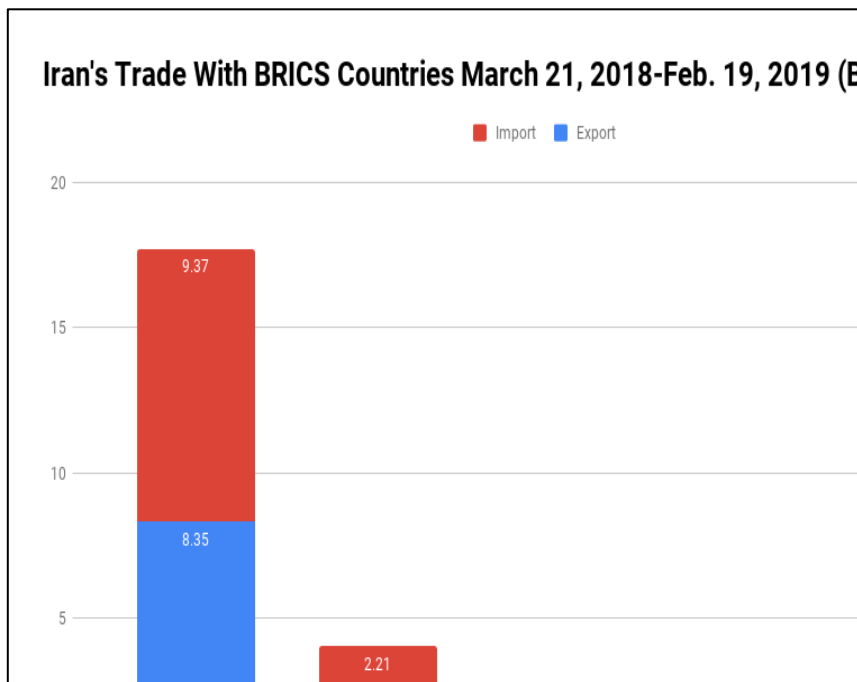
اینکه کشورهای بریکس علیه تحریم‌های ایران موضع گرفته‌اند جای تعجب نیست، زیرا همه آنها در خصوص برداشتن سهم بیشتر از بخش انرژی ایران سهیم هستند. چین و هند برای واردات خود به بخش انرژی سنگین ایران احتیاج دارند، در حالی که انگیزه روسیه و برزیل از ملاحظات سیاسی دیگر است. تحریم‌ها باعث پایین آمدن



دسترسی آنها به بازار انرژی ایران می‌شود بنابراین نباید ساده دلانه، انتقاد بریکس به تحریم‌های امریکا و حمایت ضمنی از برنامه هسته‌ای تطبیق و مصادره به مطلوب جلوه داد.

چه اینکه کاهش مبادلات تجاری گروه بریکس با جمهوری اسلامی پس از اعمال تحریم‌های امریکا موید، این است که کشورهای بریکس، حاضر نیستند تمام کارت‌های خود را برای ایران در مقابل امریکا بازی کنند. «ایران طی ۱۱ ماه منتهی به ۱۹ فوریه ۴۳،۹۴ میلیون تن کالای غیرنفتی به ارزش ۲۳،۶۸ میلیارد دلار با کشورهای BRICS معامله کرد که در مقایسه با دوره مربوطه سال گذشته به ترتیب ۹،۴۷ و ۸،۳۴ درصد تناژ و ارزش را ثبت کرد. اطلاعات منتشر شده توسط اداره گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که صادرات ایران در مجموع ۳۶،۶۹ میلیون تن به ارزش ۱۰،۴۹ میلیارد دلار بوده است که نشان می‌دهد تناژ و ارزش ۱۰،۴۹٪ و ۲،۲۲٪ به ترتیب نسبت به سال گذشته کاهش یافته است میزان واردات ۷،۲۴ میلیون تن به ارزش ۱۳،۱۹ میلیارد دلار بود که به ترتیب ۳،۹۳٪ و ۱۲،۶۹٪ تناژ و ارزش سالیانه کمتر بود.» (Financial Tribune, 2019).

از بین همه کشورهای بریکس، تقاضای انرژی داخلی چین سریعترین رشد را دارد و نیاز به تأمین نفت و گاز را از اولویتهای مهم پکن تشکیل می‌دهد و این کشور به ویژه نگران وابستگی بیش از حد چین به خطوط حمل و نقل از طریق تنگه‌های مالاکا برای انرژی است. واردات از خاورمیانه را انجام می‌دهد، زیرا در صورت درگیری با ایالات متحده، پکن از قطع شدن خط اقتصادی خود توسط یک ایالات متحده می‌ترسد. براین اساس همانطور که در نمودار ذیل مشخص شده است صادرات انرژی از طرف ایران به چین و کشورهای دیگر بریکس به دلیل عدم تمایل این کشورها به مقابله با امریکا و ساختار بین الملل پس از خروج امریکا از برجام و شروع تحریم‌های علیه ایران افت کرده است.



### عدم رویه‌ی پایدار در سیاست‌های بریکس

بریکس، به عنوان یک گروه اقتصادی قدرتمند در اقتصاد و سیاست جهانی ظاهر شده است و بنابر آنچه که از سیاست‌های خود اعلام می‌کند به نوعی تهدیدی برای بقای نظم جهانی لیبرال پس از جنگ سرد است. کشورهای عضو این کشور (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) به دنبال دموکراتیک کردن نظم جهانی لیبرال پس از جنگ برای افزایش سهم خود از قدرت رای گیری در فرایندهای تصمیم‌گیری موسسات برتون وودز<sup>۱</sup> و در نتیجه کنترل سلطه ایالات متحده هستند و اینگونه از ابتدا به نظر می‌رسید که برآند که معماری اقتصادی و مالی جهانی و سرانجام نظم جهانی لیبرال به رهبری ایالات متحده را نقد و اصلاح کنند. بر خلاف تشکیک بسیاری از سیاست‌گذاران و تحلیلگران غربی، به نظر می‌رسد که بریکس علی‌رغم شعارهایی که مطرح کرده است، تهدید قابل توجهی برای تغییر رویه بین‌المللی خاصه آمریکا نمی‌تواند باشد. پتانسیل گروه بریکس برای به چالش کشیدن یا تهدید نظم جهانی به رهبری ایالات متحده با آرایش داخلی این گروه، ناهمگونی سیاسی و ایدئولوژیکی آن، ناتوانی در توسعه چشم انداز جهانی و نظم جهانی برای جامعه بین‌المللی گسترده و جامعه به طور جدی دچار ضعف‌هایی است (Nuruzzaman, 2020: 5). عدم همگرایی قوی در اهداف و ترجیحات سیاست خارجی و مشکلاتی که ۵ کشور عضو این گروه دارند گویای این ادعاست.

بریکس، علی‌رغم اینکه خود را مصمم به تغییر و اصلاح ساختار بین‌الملل در تقابل با آمریکا و غرب می‌داند چندان از لحاظ عملی، رویه‌ای پایدار را پیش نگرفته است. رابطه نزدیک هند و ایالات متحده در تضاد شدید با نگرش منفی تر نشان داده شده نسبت به واشنگتن در پکن و مسکو است. به همین ترتیب، همکاری بین روسیه و پاکستان، به ویژه در مورد رزمایش‌های مشترک نظامی، موجب دهشت در دهلی نو شده است. از نظر توسعه اقتصادی، بریکس نیز به طور کامل انتظارات را برآورده نکرده است. اعضا نتوانسته‌اند به موتور محرکه اقتصاد جهانی قرن بیست و یکم تبدیل شوند - حتی رشد چین نیز دیرتر کند شده است. البته شرایطی، از جمله رکودهای ملی، تنش‌های تجاری و شیوع COVID-19، نیز به شکننده شدن این اقتصاد کمک کرده است. (Ballard, 2020)

بازارهای اصلی مالی در اقتصاد ایران شامل بازارهای بورس، ارز، نفت و طلا است. نوسانات شدید در این بازارها، به ویژه آنهایی که ناشی از تحریم‌های شدید اعمال شده علیه ایران در ماه مه ۲۰۱۸ است و شیوع همه‌گیر Covid-19 منجر به سردرگمی و عدم اطمینان بیشتر سرمایه‌گذاران شده است. بازارهای مالی در یک اقتصاد بسته، مانند ایران، در مقایسه با بازارهای مهم مالی جهان شرایط متفاوتی را تجربه می‌کنند. ایران پس از برجام، تحت فشارهای اقتصادی مداومی تحت فشار بوده است و پس از آن تغییرات مداوم سیاست اقتصادی را تجربه کرده است، به ویژه در زمینه سیاست‌های بازار مالی. همه این عوامل منجر به بازار سرمایه کم عمق شده است و در نتیجه شرایطی ایجاد می‌شود که بازارهای مالی، به ویژه بازار سهام، رابطه منطقی با سایر بخشهای اقتصاد و سایر بازارهای مالی جهان ندارند. در سالهای اخیر، اقتصاد ایران به دلیل تحریم‌های شدید اقتصادی اعمال شده توسط ایالات متحده و سایر

<sup>1</sup> Bretton Woods Conference

سازمانهای بین المللی، چالشهای بی سابقه و فشار فوق العاده‌ای را تجربه کرده است. بعلاوه، به دلیل دسترسی محدود به درآمدهای نفتی در پی اعمال تحریم‌های شدید، به ویژه مجازات‌های اعمال شده در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، افزایش هزینه‌ها به دلیل رکود اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و بیماری همه گیر اخیر Covid-19، ایرانی دولت با کسری بودجه قابل توجهی روبرو شده است (Samadi, 2020). براین اساس تکیه کردن جمهوری اسلامی به گروه بریکس، می‌تواند نیازهای اساسی ایران را برای بازسازی اقتصاد خود برآورده کند. به نظر می‌رسد ایران برای استفاده از منابع و توانایی‌های خود در روابط خود در نظام بین الملل بر اساس مقابله ایدئولوژیکی با معیارهای ارزشی با غرب و تأمین منافع ملی، باید راهی میانه را در پیش بگیرد و از وابستگی شدید به کشورهای عضو بریکس خاصه چین و بریکس بپرهیزد تا بتواند در سیاست خارجی و مبادلات تجاری خود انتخاب‌های بیشتری داشته باشد و منافع ملی خود را بهتر تامین کند.

### نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

روابط جمهوری اسلامی ایران با بریکس، از جمله مسائل پیچیده در سیاست خارجی ایران است که باید با تدقیق بالا به این مسئله پرداخت. آنچه از سیاست‌های نظری بریکس برمی‌آید این است که هدف نهایی بریکس یافتن راه حل‌هایی برای تغییرات بسیار تأخیری در سیستم بین المللی است. با این حال، میزان موفقیت آن به عوامل مختلفی بستگی دارد، عمدتاً مربوط به چالش‌هایی است که برای یک تغییر اساسی در نظم بین المللی وجود دارد. با این حال، به نظر می‌رسد رویکرد اولیه بریکس برای بسیاری از کشورها مانند ایران که آرزو دارند یک سیستم عادلانه تر و حاکم بر سیاست‌های جهانی را جذب کنند، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که کشورهای بریکس، عملاً بارها نشان داده‌اند که با ساختار بین الملل و قدرت‌های امریکا و غرب، روابطی مطلوب و مستحکم دارند و حاضر نیستند به تقابل مستقیم با نظام بین الملل بپردازند چرا که نمی‌خواهند هزینه‌های هنگفتی را بر کشور خود تحمیل کنند. براساس آنچه آوردیم جمهوری اسلامی ایران که از سال ۲۰۱۳ سعی در عضویت در بریکس را داشته است تا کنون یعنی سال ۲۰۲۰ موفق به عضویت در این گروه نشده است که مهم ترین مسئله در این رابطه عدم سیاست خارجی شکننده‌ای است که در دو طرف وجود دارد از طرفی گروه بریکس، بنا بر کسب منافع ملی خود، ایران را در مقابل عربستان می‌بیند و تمایل دارد وزنه‌ی تعادلی را بین این دو کشور در خصوص روابط خود ایجاد کند و از طرف دیگر اقتصاد شکننده‌ی ایران بعد از تحریم‌های خروج از برجام از طرف امریکا را چندان نمی‌پسندد و به دنبال کسب منافع بیشتر در خاورمیانه و حوزه انرژی است که در این بین عربستان را در نظر دارد. از جهت دیگر منافع و محدودیت‌های عضویت ایران در بریکس مورد تحلیل قرار گرفت که اینگونه آمد که ایران باید راهی میانه را در خصوص روابط خود با بریکس پیش بگیرد چه اینکه تلاش برای روابط با بریکس، به هر قیمتی، می‌تواند وابستگی شدید به این گروه را ایجاد کند که اینک در خصوص ۳ عضو بریکس یعنی، روسیه، چین و هند این وابستگی امروز به چشم می‌خورد؛ بنابراین ایران باید بجای تکیه کردن بدون پشتوانه به بریکس به دنبال حل معضلات سیاست خارجی خود در رابطه با ساختار باشد تا بتواند منافع ملی خود را تامین کند.

## منابع

- ایزدی، جهانبخش، مظهری خوشینانی، مصطفی. (۱۳۹۴). «اتلاف ناتمام بریکس و نسبت آن با جمهوری اسلامی ایران». مطالعات روابط بین الملل، ۳۱(۳)، ۶۸-۴۱.
- پناهی، حسن(۱۳۹۴)«جایگاه بریکس در ساختار توزیع قدرت در نظام نوین اقتصاد سیاسی جهانی(۲۰۱۴-۲۰۰۱) با نگاهی به امکان سنجی عضویت ایران در بریکس: موانع، راهبردها و مزایا، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- Acharya, A, and B. Buzan. (2009)Non-Western International Relations Theory: Perspectives on and beyond Asia. London: Routledge,
- Bordachev, Timofei & colleges (2020) “BRICS and the Rivalry Pandemic”, The Foundation for Development and Support of the Valdai Discussion Club, 42 Bolshaya Tatarskaya st, Moscow, 115184, Russia, p 7-27.
- Ballard, Barclay(2020) “Failure to welcome new members could render the BRICS association irrelevant – here’s why”, World Finance, <https://b2n.ir/781222>
- BRICS Ufa Declaration and Action Plan(2015). “7th BRICS Summit”, Ufa, Russia, July 9.
- Financial Tribune(2019) “BRICS Accounts for 30% of Iranian Non-Oil Trade”, <https://b2n.ir/329363>
- Marko Juutinen (2019) “Emerging powers and new global politics? An Indian perspective on the BRICS paradox”, Third World Thematics: A TWQ Journal, 4:6, 489-506, DOI: 10.1080/23802014.2019.1636713
- Mutize, Misheck & Sean Gossel(2017) “BRICS bank is offering more of the same rather than breaking the mould”, The Conversation Trust (UK).
- Nuruzzaman M. (2020) “Why BRICS Is No Threat to the Post-war Liberal World Order”,International Studies. 2020;57(1):51-66. doi:10.1177/0020881719884449
- Shokri Kalehsar, omid(2019) “Iran Turns to BRICS Nations to Demolish Trump's Wall of Sanctions”, BRICS information portal,
- Samadi, Ali Hussein & Sakine, Owjimehra, Zohoor, NezhadHalafib(2020)«The cross-impact between financial markets, Covid-19 pandemic, and economic sanctions: The case of Iran”, Journal of Policy Modeling.
- Zhaoyi, Pan(2019) “Data tells: Why should BRICS countries cooperate on energy, CGTN, <https://b2n.ir/069915>
- KAWAHITO, Masanori(2020) “Information on Developing Countries(BRICs, VISTA, et cetera), Harakenzo world Parent TradeMark, [http://www.harakenzo.com/en/rising\\_nation/iran.html](http://www.harakenzo.com/en/rising_nation/iran.html)
- khorranshad mohammad bagher, Seifi Abdolreza(2019) “BRICS and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran”, Journal: POLITICAL AND INTERNATIONAL SCIENTIFIC AND RESEARCH QUARTERLY fall 2019, Volume 11, Number 40; Page(s) 45 To 68.
- Yacoubian, Alex(2019) “Iran's Increasing Reliance on China”, United States Institutes of Peace.
- Nasser Saghafi-Ameri(2013) “Iran Finds Common Grounds with the 'BRICS', Research Journals, <https://b2n.ir/001744>
- Valizadeh ,Akbar ,Houshialsadat ,Seyyed Mohammad(2013)«Iran and the BRICS: The Energy Factor”, Volume 4 - Number 2 Science-Research/(وزارت علوم) ISC (30 page